

حمید روستایی صدرآبادی<sup>۱</sup>

مرتضی مطهری فرد<sup>۲</sup>

نفیسه متولی‌زاده نائینی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰

#### چکیده:

امنیت یکی از عناصر کلیدی در توفیق هر حکومت برای نیل به اهداف ایدئولوژیک و نماد کارآمدی آن است. یکی از مسائل پیش‌روی حکومت‌ها مواجهه با اعتصاب‌های دولتی است که از یک‌سو در جوامع حق پنداشته می‌شود و از سوی دیگر به‌نوعی یک چالش امنیتی. در حکومت‌های غیردینی راهبردهای مواجهه طبق تجربیات و مقتضیات و رویکردهای آنان به حکومت‌داری پایه-ریزی می‌شود؛ اما در حکومت اسلامی این موارد باید به تأیید شرعی برسد و در واقع نظر شارع مقدس کشف و پیاده شود. در این تحقیق، حکم فقهی اعتصاب و مواجهه نظام کلان حاکمیت در برابر آن دارای ادله‌ای مبتنی بر عمومات قرآنی و روایی و عقلی است که در همه آن‌ها یک ملاک شاخص به چشم می‌خورد و آن ملاک، ایجاد، حفظ و ثبات امنیت است. این ملاک امنیتی با عناوینی چون حفظ نظام، نصح‌الائمه، امر به معروف و نهی از منکر، نفی سبیل، پایبندی به تعهدات و نفی ضرر و ... در فقه تبیین می‌شود. در خلال این مباحث نتیجه مهم وجود ملازمه بین حقوق انسانی با مراتب امنیت است و ملازمه این دو است که جامعه را به جامعه امن تبدیل می‌کند؛ بدین معنا که امنیت بستر نیل به حقوق و تعالی است به‌دوراز تعدی و محدودیت و درعین حال محدودکننده مطلق عواملی (اعم از سخت یا نرم) است که این فضا را تهدید نماید هرچند تداعی نوعی محدودیت در جامعه می‌کند. این محورها با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس فقه پژوهی سنتی و موضوع شناسی نوین و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

**کلیدواژه‌ها:** اعتصاب دولتی، حکومت اسلامی، امنیت، تهدید، حفظ نظام

Rustaeihamid@yahoo.com

<sup>۱</sup> دکترای فقه و مبانی حقوق و استادیار دانشگاه آیت‌الله حائری میبد

motaharifardmorteza@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه آیت‌الله حائری میبد

motavallizade@yahoo.com

<sup>۳</sup> دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی و استادیار دانشگاه آیت‌الله حائری میبد

۱۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶

**مقدمه:** اعتراض علیه حکومت در جوامع بشری همواره با صورت‌های مختلف در جهت استیفای حقوق ظاهر می‌شده است که از خاصیت‌های بیداری و دغدغه‌مندی و پویایی جامعه است. با این حال غالب حکومت‌ها از وجود اعتراض به صورت اعتصاب در حیطه‌ی حکومت خود راضی نیستند و ادعا می‌کنند تبعات منفی زیادی دارد. یکی از مقولاتی که در نگرش حکومت‌ها به امر اعتصاب نقش بسزایی دارد، دغدغه ایجاد و حفظ امنیت است. امنیت در دو شکل و با یک ماهیت در جامعه ظهور می‌یابد:

در حالت اول مظهر امنیت یک بستر برای آزادی و شکوفا کننده‌ی استعدادها و ظرفیت‌هاست و پرواضح است که امنیت در این مفهوم در ظاهر سختی با تحدید، نظارت‌های قهرآمیز و ... ندارد، بلکه بالعکس بستری است که قیود و موانع را از سر راه فعالیت‌ها و امور اجتماع انسانی می‌زداید، به طوری که اشخاص و نهادهای جامعه از تهدید اهداف خود و تحدید در امور خود در امنیت به سر می‌برند. (ر.ک: علایی، ۱۳۹۱: ۲۱)

این نوع امنیت را می‌توان به نوعی امنیت خفی دانست چراکه ارتباط اقدامات امنیت‌زا و امنیت با واسطه است و نه مستقیم. مؤید این مقوله آیات بسیاری در قرآن کریم است از جمله آیه ۵۵ سوره نور که در آن فقدان هرگونه خوف به صورت مطلق معادل امنیت تلقی شده است. به عبارت دیگر برخی گفته‌اند که امنیت یعنی انتظارات افراد جامعه از تداوم آتی این امور به سمت بهتر شدن؛ به گونه‌ای که موقعیت موجود و بهبود این امور، از تعرض و گزند عوامل مخرب مختلف در امان باشد. (افتخاری و ریاضی، ۱۳۹۰: ۸) به نظر می‌رسد این مفهوم از امنیت هدف‌محور است و تعریف ماهیت آن در گروهی هدف است.

در حالت دوم مظهر امنیت مفهومی بازدارنده و محدودکننده دارد. به عبارت دیگر تأمین امنیت منوط به خنثی نمودن تمامی عوامل تهدیدکننده‌ی امنیت از جمله اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... است. (علایی، ۱۳۹۱: ۲۱) یعنی امنیت توأم با نظارت، مراقبت، گاه اقدامات قهرآمیز و سلبی است به گونه‌ای که با برخورد با عوامل ضد امنیت، جامعه در ظاهر فضایی محدود را تداعی می‌کند ولیکن این حالت از امنیت لازمه امنیت در مفهوم اول است که نگرشی ابزار محور به امنیت دارد. طبق آموزه‌های اسلامی این مفهوم از امنیت در سطح شخصی همان تقواست (بازدارندگی و محدودیت رذایل نفسانی شخصی) و در سطح اجتماعی و ملی و بین‌المللی، مراقبت، ارباب و

اقدام به سیف و قتال و جهاد است.

در مفهوم اول جامعه‌ای امن جامعه‌ای آزاد است و در مفهوم دوم جامعه‌ای امن جامعه‌ای مقید است؛ و در واقع امنیت به‌طور کلی یک مفهوم مرکب است. با این وصف حکم فقهی اعتصاب (که در ادامه بیان خواهد شد) در واقع نوعی ملاحظات امنیتی در اداره امور جامعه اسلامی محسوب می‌گردد که به استناد ادله‌ی حاکم بر آن بدان پرداخته خواهد شد. ضرورت این پژوهش در گروی مطالعه‌ی محورهای زیر است:

«بروز و ظهور ظرفیت‌های جامع فقه شیعه در برخورد با مسائل مستحدثه حکومتی که مقام معظم رهبری از آن به‌عنوان فقه نظام ساز یاد کرده‌اند». (بیانات در دیدار با اعضای خبرگان ۱۳۹۰/۶/۱۷)

«استخراج ملاک‌ها و ملاحظات امنیتی در مواجهه با مسائلی که نیازمند حکم فقهی نیز هست؛ که وحدت ملاک در اقدامات امنیت زا و ایدئولوژی حاکم بر حکومت بسیار حائز اهمیت است». «سنجش ابعاد مفسده و مصلحت در اعتصاب و انطباق آن بر مفاهیم امنیت در اسلام». «ملازمه‌ی بین حقوق و امنیت و اولویت‌های مبتنی بر مراتب امنیت».

**مبانی نظری:** از حیث محتوایی مقوله اعتصاب تاریخچه‌ای طولانی دارد؛ اولین اعتصاب شناخته‌شده در قرن ۱۲ قبل از میلاد در مصر گزارش شده است. کارگران خدمت گذار رامسس<sup>۱</sup> سوم کاربر روی قبرستان را متوقف کردند تا زمانی که آن‌ها که از نظر جسمانی بیمار شده بودند تحت درمان قرار گیرند. (Daumas, 1969: 309) در قرون وسطی نیز تحت عنوان تشکل‌های نیکوکارانه جمعیت‌هایی در دفاع از حقوق کارگران در برابر کارفرمایان تشکیل شد که به استیفای حقوقشان مبادرت می‌کردند. اسلحه قوی آنان اعتصاب بود و هرچقدر که تعاون و همکاری در بین آن‌ها زیادتیر می‌شد خصومت دولت و کارفرمایان با آنان فزونی می‌یافت که این موجب شکاف بین این دودسته می‌شد. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۳۰) این روند موجب ورود مقوله اعتصاب به عرصه حقوقی و قانونی شد و برخی از لحاظ حقوقی برای آن در جهان تاریخچه‌ای سه‌گانه فرض نموده‌اند: ۱- دوران ممنوعیت کیفری و حقوقی ۲- دوران مصونیت حقوقی ۳- دوران مشروعیت و شناسایی قانونی حق اعتصاب. (یاوری و تنگستانی، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۱۱۵)

**چارچوب نظری تحقیق:** چارچوب نظری این تحقیق متناسب با منبع و منشأ آن در شاخه‌ی فقه از علوم انسانی است. در واقع هر آنچه در علم اصول فقه مورد کاربست واقع می‌شود تا به کشف

<sup>1</sup> Ramses

۱۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————\*

حکم در مورد موضوع مورد نظر نائل آید (صدر، ۲۹: ۱۴۲۱)، تعیین کننده چارچوب نظری این تحقیق خواهد بود؛ بنابراین در این تحقیق فرضیات مبتنی بر کشف مذاق شارع طرح شده و با تطبیق آن با مفاهیم مستخرج از نصوص دینی به تقویت یا تخطئه فرضیات همت گمارده می شود. ضمن آنکه در چارچوب نظری تحقیقات فقهی تمسک به فرضیات حدسی و پارادایم های مرسوم در علوم مختلف جایی ندارد، زیرا منبع، وحی الهی و ثابت است و چارچوب نظری نیز بالطبع ثابت و وظیفه‌ی محقق صرفاً کشف مذاق شارع است و این عامل اعتبار بخش مفاهیم ارائه شده است که فقدان آن موجب بطلان نظریات خواهد بود.

از حیث موضوع چارچوب نظری تحقیق منوط به این است که اعتصاب را بتوان در دسته بندی های مختلف مفهومی از جمله نرم یا سخت بودن تهدید و از جهت دیگر نرم یا سخت بودن شیوه آن بازتعریف نمود که این امر در نتایج تحقیق بررسی خواهد شد.

از نظر نگارنده بر اساس تعاریفات مختلف موجود در ادبیات دانش امنیت، مفاهیم زیر به موضوع تحقیق قابل انطباق تر به نظر می رسد: تهدید سخت؛ تهدیدی است که شامل نشان دادن خطر، آسیب و شرارت قریب الوقوع باشد؛ مانند جنگ، یا اغتشاشات خیابانی و ... (افتخاری، ۱۳۸۵: ۸-۴) و همچنین سخت بودن تهدید می تواند به روش نرم یا سخت صورت پذیرد و نباید در تعریف آن مدخلیت داشته باشد. چراکه دور از ذهن نیست که با تهدیدات نرم نتیجه و اثری سخت و قریب الوقوع گذاشته شود. به عبارت دیگر آنگاه که بتوان رابطه‌ی علیت مستقیم و مشهود بین تهدید و نتیجه‌ی آن تصور کرد، می توان تهدید را سخت نامید.

تهدید نرم؛ تهدیدی است که از جهت ابزار تهدید (مانند استفاده از رسانه و تعلیم و ...) و آثار و اهداف تهدید غیر عینی باشد، مانند تغییر در شیوه‌ی نگرش و هنجارها و فرهنگ. (گروه مطالعاتی، ۱۳۸۷: ۲۴-۱۱۴) و به تعبیر نگارنده کشف علیت بین تهدید نرم و آثار و نتایج آن نیازمند تحلیل و تعمیق باشد.

لازم به ذکر است که مواردی که در تعاریف تهدید محوریت دارد، غالباً در حکم شرعی عمل و عکس العمل های امنیتی و ضد امنیتی می تواند تغییر ایجاد کند. به طور مثال قریب الوقوع بودن در اعمال قاعده لا ضرر شرط است و یا عینی بودن اثر در موضوع شناسی برای حکم حائز اهمیت است.

**روش تحقیق:** با توجه به منابع فقه که از آن تعبیر به ادله اربعه قرآن، سنت پیامبر و ائمه (ع)، عقل و اجماع می شود (ر.ک: گرجی، ۱۳۵۲: ۵۴-۵۶) و اینکه موضوع مورد بحث مستحدثه محسوب

می‌شود، عموماً قرآن و روایات (و نه نصوص صریح) داده‌های اصلی این تحقیق هستند که به وسیله‌ی ملاک‌های عقلانی به‌عنوان مُدرک و گاه مُدرک قابل‌تعمیم به موضوع موردنظر هستند. لذا تحقیق حاضر مستند به منابع کتابخانه‌ای است. روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی و با کاوش در میان نصوص روایی و قرآنی است. عموماً مذکور در تحقیق با مراجعات مکرر به منابع دینی بوده، به طوری که از نظر دلالت به موضوع در دایره‌ی داده‌های موردنیاز نگارنده، آیه یا روایتی که بتوان در آن ملاکی برای کشف حکم یافت، موجود نبوده و اصطلاحاً جستجو به اشباع نسبی رسیده است. این امر با یافتن کلیدواژه‌های متعدد، مترادفات، متضادها، عناوین با ملاک مشابه و ... و جستجو در متون دینی انجام شده است. لازم به ذکر است که به دلیل سهولت متن برای مخاطب از آوردن اصطلاحات تخصصی فقهی حتی الامکان پرهیز شده و تمامی آیات و روایات به صورت ترجمه فارسی آمده است.

**تعریف اعتصاب:** اعتصاب<sup>۱</sup> در لغت صبر گزیدن و خوشنود شدن به چیزی آمده است و در اصطلاح دست از کار کشیدن گروهی و گردآمدن آنان برای وصول به هدف معین از قبیل تحصیل آزادی، کاستن ساعات کار، اضافه‌حقوق و غیره عنوان شده است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ج ۱: ۱۸۰) معادل اعتصاب در زبان عربی اِضراب است که برای مثال این گونه بکار می‌رود: «اضرب الرجل عن امره» (مهیار، بی تا: ۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱: ۵۴۷) هر چند برخی با نگاه مثبت به اعتصاب، آن را ترجمان خصیصه مقاومت و اعتراض بشری و ناشی از حس جدایی‌ناپذیر فطرت آدمی تعریف کرده‌اند (یاوری و تنگستانی، ۱۳۹۳: ۱۱۲) اما این عمل امروزه در موارد زیادی، به‌عنوان اهرم فشار علیه حکومت‌ها برای تحمیل خواسته‌های مختلف اعم از حزبی، سیاسی، اقتصادی و ... به کار می‌رود. این در حالی است اعتصاب از حیث اهداف و انگیزه‌ها و سطح گستردگی و همچنین تأثیرگذاری، در عرصه‌های مختلف و متنوعی تعریف شده است. (رک به: جزایری، ۱۳۴۲: ۱۴۸) در عین حال در این تحقیق منظور از اعتصاب، سر زدن این عمل از سوی سیاسیون، احزاب، متصدیان امور حکومتی و کارکنان حکومت در مقابل نظام کلان حاکمیت است.

**نگرش به اعتصاب با مفهوم اول امنیت:** بر اساس آنچه در مقدمه تحقیق گفته شد، مظهر یک جامعه‌ی دارای امنیت، آزادی و عدم وجود مانع و بستر مناسب برای رشد و تعالی است. با این مفهوم حکم اعتصاب مورد بررسی قرار داده می‌شود:

1. strike

### مبانی حق پنداشتن اعتصاب و رابطه آن با امنیت:

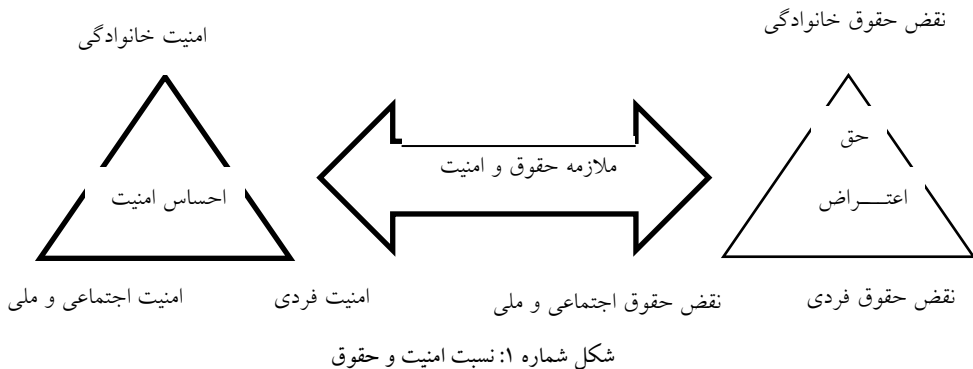
(الف) در قرآن کریم تغییر وضعیت صرفاً منوط به اراده و تغییر انسان‌ها معرفی شده است (رعد، ۱۱)؛ بنابراین با دلالت ضمنی آیه، حق بر تغییر وضعیت و به دلالت التزامی حق اعتراض را به رسمیت شناخته است.

(ب) این تغییر هنگامی به حق مشروع اشاره خواهد داشت که غایت و متعلق تحول و تغییر و بهبودی در حیات طبیعی انسان در دو بعد دنیایی و یا آخرتی تأکید داشته باشد. «و از آن‌ها کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن» (بقره، ۲۰۱).

(ج) این حق صرفاً برای تحول وضعیت اشخاص نیست بلکه می‌تواند انگیزه‌های غیرشخصی و اجتماعی نیز داشته باشد و اصولاً در این صورت است که اعتصاب و حرکت‌های حق‌طلبانه به ویژگی‌های والا و دگر دوستانه‌ی مطلوب‌تری آراسته می‌شود و جامعه‌ی اسلامی را به الگو مبدل می‌کند. آیه‌ی شریفه‌ی «و این چنین شمارا امتی نیکو و متعادل قرار دادیم تا گواه (و الگویی) برای دیگر امت‌ها باشید و رسول خدا نیز بر شما گواه (و الگو) است» (بقره، ۱۴۳) به این حقیقت اشاره دارد. اعتراض در صورتی که شرایط فوق را داشته باشد و در راستای احقاق حق باشد موجب تحقق مراتب امنیت در مفهوم اول آن می‌شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هرگز به تقدس نمی‌رسد امتی که در آن حق ضعیف از قوی ستانده نشود در صورتی که مشروع باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۳: ۶۰۸) که این حق، مطلق حقوق است؛ اعم از حقوق سیاسی، اجتماعی، فردی و ... در واقع بین احساس امنیت در جامعه با عدم تضییع و تحدید و تقیید حقوق، ملازمه‌ای اجتناب‌ناپذیر وجود دارد.

بنا بر مطالب فوق هر شخص در جامعه باید در سه سطح احساس امنیت نماید و می‌تواند نسبت به تحقق آن در همه ابعاد تلاش کند و یکی از مظاهر تلاش اعتراض به وضعیت دور از آرمان است. در واقع تحقق امنیت نسبت به این سه سطح از قبیل عام مجموعی است؛<sup>۱</sup> چراکه حتی اگر اشخاص از امنیت خود و اطرافیان خود نیز مطمئن باشند، در صورت تهدید امنیتشان در سطح اجتماعی و ملی در واقع امنیتی ندارند.

<sup>۱</sup> - عام مجموعی عبارت است از شمول حکم نسبت به افراد موضوع به صورت مجموعی. در واقع با عدم شمول حکم نسبت به یک مورد از مجموعه موارد، حکم به طور کلی منتفی می‌شود.



به تعبیر واضح‌تر اینکه امنیت از قبیل عام مجموعی است پیش‌نیاز نیل به امنیت پایدار است. امنیت پایدار در صورتی مفهوم می‌یابد که به هم‌هی عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی و ... به‌طور یکسان و با تعامل متقابل توجه شود. (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۶-۸۲) و این عوامل باید به‌طور هر می تصور شود که از سطح شخصی شروع‌شده و به چشم‌انداز ملی و بین‌المللی برسد.

#### ادله جواز اعتصاب

##### الف حق آزادی انسان

مطابق با مفهوم اول امنیت در این تحقیق و به استناد اخبار وارده از جمله روایت حضرت امیر(ع) که می‌فرمایند: «بنده غیر نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۴۰۱) و آیاتی چون «پیامبر بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد» (سوره اعراف، آیه ۱۵۷) و ... و وجوب احترام به آزادی انسان در جامعه ضرورتی بدیهی به نظر می‌رسد. آزادی به معنای «حق» و «اختیار» و به‌طور کلی «مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال خود» است و شامل آزادی عقیده و بیان، آزادی قلم، آزادی اجتماعی، آزادی کار و ... می‌گردد و این آزادی حقوقی زاییده و نتیجه مستقیم آزادی تکوینی است. (معرفت، ۱۳۸۰: ۱۱۲) بنابراین اعتصاب که به‌نوعی تلاش برای زدودن محدودیت‌هایی است که از سوی دولت موجب تضییع حقوق او شده است نیز باید به رسمیت شناخته شود. ثمره‌ی اطلاق این ادله این است که هرگونه اقدامات امنیت‌زا چه به‌عنوان طریق و وسیله و چه به‌عنوان هدف نمی‌تواند موجب محدودیت شود، مگر اینکه حقوقی دیگر در تراحم با حق آزادی باشند و بر آن ارجحیت داشته باشند.

ب) اهتمام به امور مسلمین

گاهی اعتصاب برای استیفای حقوق دیگران انجام می‌شود که به آن ماهیت آرمان‌گرایانه‌ای می‌بخشد. این حقیقت از دلالت عام روایتی مشهور قابل استنباط است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرکس به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۳: ۱۴۸). "امور المسلمین" جمع مضاف است که از نظر مفهوم، فراگیری را می‌رساند؛ یعنی اموری که جنبه عمومی داشته باشد و به عامه مسلمانان مرتبط گردد؛ و به عبارتی دیگر شئون عامه که همان مسائل جاری در سطح عمومی جامعه است، اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره. (معرفت، ۱۳۸۰: ۹۱)

ج) نصح‌الائمه

از مواردی که می‌تواند بر جواز اعتصاب اقامه شود، مسئله‌ی نصح‌الائمه است. پیامبر اکرم (ص) نصیحت ائمه‌ی مسلمین را یکی از سه چیزی خوانده‌اند که قلب مؤمن آن را رها نمی‌کند. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲: ۳۳۶) حضرت امیر (ع) نیز آن را در غیاب یا حضور از حقوق حاکم بر مردم دانسته‌اند. (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۷۹) اعتصاب را می‌توان نوعی نصیحت و یاری تلقی کرد؛ به گونه‌ای که موجب تنبه و توجه حکومت به مشکلات و کاستی‌ها باشد. بی‌شک این تنبه به سود حاکمیت است در اصلاح تدابیر اتخاذی‌شان که این بامعنای دیگر نصح (یاری) نیز هماهنگ است. اصولاً دغدغه‌مندی افراد در برابر حکومت و مشارکت فعال آنان که مفهوم مقابل آن بی‌تفاوتی است، از تقویت‌کننده‌های ضریب امنیت ملی هر کشور است (علایی، ۱۳۹۱: ۳۰) و احترام به اعتراضات و مصداق خاصی از آن یعنی اعتصاب از لوازم و مقدمات موردنیاز است. از سوی دیگر کشف عیوب و کاستی‌های حکومت و برطرف نمودن آن نیز خود از موارد فزاینده اقتدار و امنیت داخلی و خارجی است.

د) امربه‌معروف و نهی از منکر

از ره‌آوردهای فریضه‌ی امربه‌معروف و نهی از منکر تضمین سلامت و امنیت جامعه است. هر شخص در قاموس اسلامی در سه سطح بر اساس این فریضه مسئول است؛ شخصی، خانوادگی و طایفه‌ای، اجتماعی و ملی (امت). اگر از منظر این فریضه به اعتصاب نگریده شود از باب امربه‌معروف و نهی از منکر عملی در مقابل دستگاه حکومت می‌توان حکم به جواز آن داد، به شرطی که دارای مفسده نباشد و یا دست‌کم مصلحت آن بیش از مفسده‌ی آن باشد. به تعبیر قرآن



اصلاحگر نباید دارای جهل مرکب باشد؛ «و زمانی که گفته شود به آنان که فساد نکنید روی زمین، می‌گویند ما مصلح هستیم، درحالی‌که بی‌شک آنان فساد کارند ولی خودشان درک نمی‌کنند.» (بقره، ۱۲۰۱).

همچنین ره‌آورد دیگر ادله‌ی این فریضه این است که مشروعیت اعتصاب تناسب مستقیم با اغراض دارد؛ یعنی اعتصاب اصلاح‌گرانه مشروع و اعتصاب دارای مقاصد غیرازاین مذموم است. **تحدید اعتصاب و رابطه آن با امنیت:** بر اساس روایت «همه‌چیز بر تو حلال است تا آنکه به حرام بودن آن به عینه عالم و واقف شوی» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۰: ۵۴۲) باید گفت که اصل بر حلیت اعتصاب است، مگر مستندی از قرآن، روایات و یا قطع عقلی برخلاف آن اقامه شود. با توجه به مفهوم اول امنیت و اخبار وارده از قرآن و سنت که گذشت و همچنین روایاتی که دال بر وظیفه‌مندی افراد و به‌طریق‌اولی حکومت بر احقاق حق مؤمنین است از جمله روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) که می‌فرماید: «وای بر کسی که به مسلمانی (با تکبر) ستم کند و حق او را بکاهد...» (پیمانی، ۱۳۸۴: ۱۹۸) و همچنین روایت امام باقر(ع) که می‌فرماید: «خداوند به چیزی بالاتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است...» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲: ۲۰۳)، می‌توان گفت اصل بر حلیت اعتصاب است، مگر آنکه شرایط زیر در آن حاکم باشد:

ادله ممنوعیت (تحدید) اعتصاب: ادله‌ی این قسمت با فرض مشروع بودن موضوع اعتصاب است، چراکه خواسته‌های نامشروع ممنوع بوده و نیازمند دلیل نیست و تخصصاً<sup>۱</sup> از بحث خارج است. ضمن آنکه نگارنده بین خواسته‌های نامعقول و نامتعارف و همچنین نامشروع تفاوت گذاشته است و در صورتی‌که حکومت توان تمکین در برابر خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان را داشته باشد، حق آن است که نباید خودداری کند.

#### الف) اختلال معاش

اعتصاب در عرصه‌های استراتژیک کشور (مانند ارگان‌های نظامی و انتظامی و اطلاعاتی، روسای قوا و مدیران ارشد تأثیرگذار در کشور، وزارت نفت و ...) که به‌صورت جزء و یا کل اثر مشهود اختلالی دارد و یا در عرصه‌های غیراستراتژیک (مانند حمل‌ونقل، صنایع مادر مثل خودروسازی و ...) که در صورت اعتصاب عمومی دچار اختلال می‌شود، در واقع سرپیچی از یک واجب کفایی

<sup>۱</sup>- تخصص در اصول فقه بدان معناست که چیزی از دایره حکم، موضوعاً و به‌طور حقیقی خارج باشد. (هاشمی،

۲۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————\*

است. در تأمین نظام معاش و حیات مسلمین گرچه بر تک تک افراد واجب کفایی است که نسبت به آن مبادرت ورزند ولیکن تا آن هنگام که به حد کفایت نرسد بر همگان که قابلیت امتثال این حکم را دارند واجب عینی است. مقوله مشاغل و رفع نیازهای ضروری مسلمین از قِبَل آن، به قدری اهمیت دارد که برخی اعتقاد دارند که برای جلوگیری از اختلال نظام معاش مردم، امتثال این واجب منوط به تحقق عناوینی مثل «تکسُّب» و «اجیرشدن» هم نیست. (اصفهانی، ۱۴۰۹: ۲۱۱)

البته به این سخن، مرحوم شیخ انصاری و مرحوم رشتی نقد وارد کرده‌اند، ولیکن آن‌ها نیز اهمیت موضوع را به هیچ وجه انکار نکرده‌اند. (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۲: ۱۳۹-۱۳۸؛ رشتی، ۱۴۰۱: ج ۱: ۹۱)

باید توجه داشت که در مورد نظام معاش مسلمین هرکدام از مشاغل به بخشی از این نظام مربوط است که اختلال در هرکدام موجبات برهم زدن آسایش و آرامش در کل حیات آنان است. در واقع در این دلیل فقهی این ملاحظه‌ی امنیتی مستتر است که ۱- اعتصاب یک تهدید سخت تلقی می‌شود؛ زیرا موجب اختلال قریب‌الوقوع شده و علیت آن با آثار مخرب مشهود و بلا واسطه است.

۲- حتی اگر موضوع اعتراض مشروع باشد، چون روش آن (اعتصاب) موجب اختلال نظام معاش است؛ لذا خود آن نیز ممنوع بالتحذیر (و نه ممنوع بالذات) است؛ بنابراین روش و ابزار می‌تواند موجب حرمت یک موضوع شود. ۳- در تراحم بین حق بر تغییر مثبت در نظام (به روش اعتصاب) و حفظ نظام معاش، ارجحیت با حفظ نظام معاش است و این ناشی از وجوب مقدمه به خاطر وجوب ذی المقدمه (نظام کلان اسلام) است. در واقع در تراحم امنیت کلان و امنیت بخشی اولویت با حفظ امنیت کلان است.

ب) هرج و مرج

برای هر نوع از اعتراض و نقد و نصیحتی از سوی مردم یا مسئولین به دستگاه حاکمیت، باید سازوکار و قانون و راه مشخصی موجود باشد. بر این اساس اعتصاب، به‌عنوان یک موردی که سازوکار تعریف شده‌ای ندارد اگر در سطح جامعه به یک گفتمان تبدیل شود هرج و مرج دامن‌گیر آن جامعه خواهد شد. حتی اگر سازوکار استیفای حقوق هم در حکومت اسلامی دارای نقص باشد باید نقص آن را برطرف نمود و این نقص جواز خوبی برای اقداماتی از قبیل اعتصابات مخرب نیست. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «می‌گویند قانون بد هم از بی‌قانونی بهتر است. بعید نیست آدم این را قبول داشته باشد؛ چون بی‌قانونی، هرج و مرج است؛ قانون بد لاقلاً یک ضابطه‌ای است؛ خب، انسان اصلاحش می‌کند.» (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۰/۱۰/۱۹).

هرج و مرج در جامعه چه از نظر سیاسی و یا اجتماعی در وهله اول تبعات غیرقابل تحملی دارد که

دشمنان را منتفع می‌کند. (ب امام خامنه‌ای: ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) و هم تبعات داخلی آن بسیار منفی است، چراکه در جامعه‌ای که هرج و مرج حاکم باشد، سخن از امنیت و به تبع آن برنامه‌ریزی برای شئون مختلف زندگی اعم از کسب اخلاق و معنویت و رسیدگی به امور دنیوی بی‌معنا خواهد بود. این یک امر عقلی و مورد تأیید همه عقلاست. البته این سخن نفی تحول‌خواهی در جامعه را نمی‌کند چراکه «تحول را هم بعضی با آنارشسیسم و هرج و مرج و هر چی به هر چی بودن، اشتباه می‌کنند. این اشتباهات موجب شده است که یک عده‌ای که طرفدار ثبات اجتماعی‌اند، با هر تحولی مخالفت کنند؛ به خیال اینکه این تحول، ثبات را به هم می‌زند. از طرف دیگر، کسانی که خیال می‌کنند هر تحولی به معنای ساختارشکنی و شالوده شکنی و زیر سؤال بردن همه‌ی اصالت‌هاست، این‌ها هم برای اینکه تحول ایجاد کنند، ثبات اجتماعی را از بین می‌برند و دچار خطر می‌کنند. این دو اشتباه، از دو طرف وجود دارد.» (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۸/۱۸)

بنابراین سخن، اعتصاب‌کنندگان نباید شاخص‌های آنارشسیسم را با تحول‌خواهی خلط نمایند، چراکه در این صورت حق ذاتی آن‌ها به نفع ثبات و اجتماعی تحدید می‌شود. این دلیل فقهی که پشتوانه‌ی آن عقل و سیره‌ی عقلاست و بر اساس سخن مقام رهبری به‌نوعی حکم حکومتی نیز محسوب می‌شود با ملاحظات امنیتی دارای نکات برجسته‌ای است: ۱- اعتصاب از منظر این دلیل تهدید نرم محسوب می‌شود زیرا اولاً در اصالت‌ها و هنجارهای مطالبه‌گری حق در جامعه تأثیر منفی می‌گذارد و ثانیاً اثر آن لزوماً با علیت منحصره به اعتصاب مربوط و مشهود نیست. ۲- هرج و مرج بستر نیل به حقوق را از بین می‌برد و طبق ملازمه‌ی بین حقوق و امنیت که قبلاً گذشت، لازمه‌ی جامعه‌ی دارای امنیت مقابله با هرگونه هرج و مرج به‌مثابه‌ی اقدامات ضد امنیت و حقوق است؛ بنابراین لازمه‌ی مقابله با این تهدید نرم، اقدامات امنیت‌افزای نرم در کنار اقدامات سخت خواهد بود.

#### ج) تضعیف حاکمیت و نظام سیاسی

طبق قاعده‌ی مشهور هر عمل واجبی که با واجبی چون حفظ نظام اسلام (که اولویت بالاتری دارد) تزاخم کند، حفظ نظام قطعاً بر آن مقدم می‌شود. (مظفر، ۱۳۸۷: ج ۳: ۴۰۳) حال در مورد جواز اعتصاب که نهایتاً امری مباح است، به‌طریق‌اولی اولویت با حفظ نظام است. البته این در حالی است که بین اعتصاب و اختلال نظام سیاسی ملازمه‌ی قطعی موجود باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «بزرگ‌ترین معروف‌ها در درجه‌ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و

۲۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————\*  
حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است ... مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی؛ مهم‌ترین معروف‌ها این‌ها است و همه موظف‌اند در راه این معروف‌ها تلاش کنند؛ امر کنند. نقطه‌ی مقابل این‌ها هم عبارت است از منکرها... کمک به دشمنان اسلام منکر است، تضعیف نظام اسلامی منکر است.» (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۴/۱/۱)

بر این اساس حرکت در راستای تضعیف نظام اسلامی را باید غیرمجاز پنداشت؛ چراکه حفظ نظام بزرگ‌ترین معروف و تضعیف نظام منکر معرفی شده است. از مهم‌ترین عوامل حفظ نظام افزایش قدرت نظام در سطح داخلی و خارجی است. به نظر نگارنده تضعیف حاکمیت اساساً در دو سطح خارجی و داخلی روی می‌دهد. از جهت داخلی تضعیف عبارت است از کاهش توان حاکمیت در تدبیر امور و خارج شدن عنان کارها از دست دولتمردان و از جهت خارجی تضعیف عبارت است از شکسته شدن هیمنه و ابهت نظام اسلامی در نظام بین‌الملل به گونه‌ای که قدرت تأثیر بر معادلات جهانی را از دست بدهد. تضعیف نظام در سطح داخلی هنگامی رخ می‌دهد که افراد جامعه (اعم از دولتمردان و مردم) در مقام نافرمانی ظاهر شوند. این سخن در روایت رسول گرامی اسلام مشهود است. «بشنوید و اطاعت کنید از کسی که خداوند بر شما ولی قرار داده است، چراکه او نظام اسلام است...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۳: ۲۹۸) و این نظام لفظی مطلق است و افاده‌ی عموم (داخلی، خارجی و ...) می‌کند.

اعتصاب اگر به گونه‌ای باشد که به حاکم اسلامی آنچه را که وی در خود موضوع و یا روش درخواست در مورد آن موضوع اکراه دارد، تحمیل نماید، به‌مرور موجب تضعیف جایگاه حاکم اسلامی می‌گردد. همچنین اعتصاب اگر به گونه‌ای باشد که موجب نمایان شدن (ولو به صورت غیرواقعی) شکاف بین مردم و حاکمیت گردد، بخش اعظمی از قدرت خارجی حکومت خدشه‌دار می‌شود. چراکه حمایت مردمی به دلیل تجهیز ایدئولوژی به کارایی و همچنین نماد مقبولیت نظام (و به‌زعم نظام بین‌الملل مشروعیت نظام) از عوامل قدرت در نظام بین‌الملل شناخته می‌شود. (قوام، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۷) لذا آیت‌الله خامنه‌ای تصریح کرده‌اند که «دولت‌ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند.» (امام خامنه‌ای مدظله العالی: ۱۳۹۴/۱/۱)

شاید گفته شود که حکومت را نباید به معنای نظام گرفت. در پاسخ ذکر یک نکته لازم است که هر چند در کلام فقها، لفظ نظام به‌طور مطلق یا عام در حفظ نظام اسلام به‌کاررفته و حکم حفظ آن، فی‌الجمله، بیان گشته است؛ لکن بدون تردید، این حکم شامل حکم حفظ سایر خرده نظام‌ها هم

می‌شود، نظام‌هایی که در درون آن نهفته است؛ چراکه بدون حفظ هر یک از خرده نظام‌های تحت نظام عام یا کلان جامعه، این نظام نیز محفوظ نخواهد ماند. در واقع چند حکم حفظ نظام به مفهوم کلان مورد اشاره قرار گیرد، لکن در ضمن بیان حکم این موضوع کلی، حکم موضوعات جزئی نیز نهفته است. به عبارت دیگر از باب مقدمه واجب، هرگاه حفظ نظام کلان جامعه واجب شد و خوب مقدمه آن که حفظ سایر خرده نظام‌ها که خود مقدمه حفظ نظام کلان هستند نیز واجب خواهد.

(ملک‌افضلی اردکانی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

بر این مناسبت که امام خمینی فرموده‌اند: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ‌چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است». (امام خمینی، ۱۳۷۸:

ج ۱۹: ۱۵۳)

مسئله حفظ نظام و خرده نظام‌های آن در ادبیات بین‌المللی در واقع همان توجه به ابعاد ترکیبی امنیت است که جایگزین نگاه تک‌بعدی شده است. (ر.ک: علایی، ۱۳۹۱: ص ۸) بنا بر رویکرد امنیت محور به این دلیل نکات زیر قابل درک است:

۱- بین امنیت و همچنین نظام و نهاد مولد و حافظ امنیت ملازمه‌ای عقلی و شرعی (به استناد روایت مذکور) وجود دارد. لذا تضعیف این نظام و نهاد به معنای زوال امنیت است. پس کبرای استدلال به حفظ نظام از یک حیث دارای مفهوم ضمنی استدلال به حفظ امنیت است و مؤید آن روایت مشهور از حضرت امیر (ع) است که مردم را ناگزیر از داشتن امیر دانسته، چراکه در آن کافر یا مؤمن در تنعم و آسایش به امور خود می‌رسند و با دشمنانشان مقاتله می‌شود و ضعیف از قوی حقش را می‌ستانند و ... (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۸۲)

۲- حق اعتراض به عنوان یک حق در مقابل بستر ساز تحقق تمام حقوق بشری (امنیت با توسل به حفظ نظام) قطعاً قابل چشم‌پوشی است. بنابراین طبق تعریف دوم از امنیت که ابزار محور بود و توأم با وجه سلبی و گاه توسل به قوهی قهریه، ممنوعیت اعتصاب مکمل آزادی برای مفهوم امنیت به مثابه‌ی آزادی و آزادگی است.

۳- از منظر این دلیل اعتصاب هم تهدید نرم و هم سخت محسوب می‌شود، چراکه تضعیف حاکمیت و ولی امر به مرور و نامحسوس صورت گرفته و همچنین می‌تواند موجب اختلال در نظام

۲۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————\*  
سیاسی به طور آنی و یا در مراتب سخت تر منجر به فروپاشی و تغییر حاکمیت، کودتا و ... شود. لذا لازمه‌ی برخورد با اعتصاب از منظر این دلیل هم سخت و هم نرم است.

۴- این مقابله و برخورد نیازمند بستر فکری و فرهنگی و گفتمان است، به دلیل اینکه برخورد اگر سخت باشد، برخوردی محسوس و مشهود است در برابر تهدیدی که شاید لزوماً محسوس و مشهود نباشد. باید توجه نمود که صرف امنیت کافی نبوده و احساس امنیت نیز طبق نصوص دینی موضوعیت دارد. کلیدواژه‌هایی چون خوف و حزن و ... که در برابر امنیت در آیات مطرح شده‌اند همگی ناظر به حالات درونی انسان‌ها هستند نه شرایط عینی بیرونی؛ بنابراین جامعه باید به ضرورت اقدامات فهریه و سلبی آگاه باشد تا مفهوم آزادی و آزادی از امنیت در نزدشان مخدوش نشود. ضرورت این امر آن است که هر جامعه‌ای که دچار گسست و شکاف بین خواسته‌ها و داشته‌ها و ظرفیت‌های خود شود، به سوی نارضایتی، اعتراض و آشوب و نهایتاً به سوی ناامنی پیش می‌رود. (علایی، ۱۳۹۱: ۳۰)

(د) نفی سبیل

قاعده نفی سبیل نماد بارز اهمیت امنیت در احکام اسلام است. به استناد آیه‌ی «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) مفاد قاعده نفی سبیل این است که هیچ "حکمی، قانونی و ... عقود، ایقاعات، ولایات، معاهدات، پیمان‌ها، ازدواج‌ها و غیر ذلک در تمام مسائل اعم از روابط فردی و اجتماعی که موجب علو کافر بر مسلمان شود جعل نشده است و این امور باطل و منفی‌اند و اعتبار حقوقی ندارند. (بجنوردی، ۱۳۷۹: ج ۱: ۳۵۵)

اصل نفی سبیل، بیانگر جنبه‌ی ایجابی و سلبی است که جنبه‌ی سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است. (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۷۶) با توجه به اینکه غالب قطعنامه‌های شورای امنیت در سازمان ملل و تحریم‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و صدمات تبلیغاتی در رسانه‌ها که از مصادیق سبیل کافرین بر مسلمین است به بهانه‌های حقوق بشری صادر می‌شود و اقدام به اعتصاب باعث ورود سازمان‌های بین‌المللی در امور داخلی کشور می‌شود، اعتصاب عمومی و منحل به طوری که آبروی نظام اسلامی را ببرد و یا آن را ناکارآمد و یا تزییع کننده حقوق بشر جلوه دهد، بی‌شک قاعده نفی سبیل را نقض نموده است. دلیلی روشن برای این موضوع روایتی است که به گفتگوی امیرالمؤمنین علی (ع) و مردی یهودی اشاره دارد. «مردی یهودی گفت: هنوز پیامبرتان را دفن نکرده بودید که در آن اختلاف کردید؛ که حضرت به وی فرمودند: مابعد از ایشان در (سخنان و دستوراتش) اختلاف کردیم ولی در خود

ایشان اختلاف نکردیم (چه برسد به اینکه در خدای او اختلاف کنیم). درحالی که شما وقتی هنوز پایتان خشک نشده بود از خروج از دریا به پیامبر خود گفتید که «برای ما خدایی مانند خدای آن‌ها قرار ده که به آن‌ها گفت شما قومی جهالت پیشه‌اید.» (اعراف، ۱۳۸) ... (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۵۳۱)

درست است که حضرت در پاسخ به یهودی، اختلاف ایجادشده پس از رحلت را اختلاف در آنچه از پیامبر رسیده ارزیابی می‌نماید، ولی دست‌کم نکته‌ای که از این متن برداشت می‌شود این است که این اختلاف مسلمین از دید یک ناظر بیرونی و درواقع افکار عمومی به‌نوعی انکار خود پیامبر و حقانیت اوست. نکته دیگر که از سخنان حضرت قابل برداشت است اینکه هرچند که در جامعه خویش، توان تحمل یکدیگر موجود نباشد بازهم برای حفظ اسلام و بقای خود در برابر دشمن، از موضع قدرت و یکپارچگی برخوردار کرده و به تضعیف دشمن پرداخت. حضرت ضمن این‌که موضوع اختلاف میان مسلمین پس از رحلت را رد نکردند و تنها در مورد نوع این اختلاف نظر دادند، اما باظرافت، جامعه اسلامی و مسلمانان را در کلام خود تکریم نمودند. (سازمان بسیج، ۱۳۸۶: ۳۲)

با توجه به آنچه گذشت با رویکرد امنیت محور:

۱- تفوق و گشودن راه بر بیگانگان تهدیدی سخت است که در قواعد فقهی از دیگر انواع تهدید مقاصد شریعت (جان، مال، آبرو، عقل، نسل و...) بزرگ‌تر محسوب شده و در صورت تزامم بین امنیت خارجی و دیگر موضوعات امنیت مثل جان و مال و ... اولویت با نفی سبیل است و اصطلاحاً بر آن‌ها حکومت دارد و شاهد این مدعا آن است که در امر جهاد که جنبه‌ی ایجابی و مراتب بالای نفی سبیل است ضرر جانی و مالی و عسر و حرج جامعه نادیده انگاشته می‌شود؛ بنابراین برخورد با اعتصاب‌کنندگان ولو با خواسته مشروع مجاز است و لازمه‌ی حفظ زیربنای امنیت است.

۲- بالاترین مرتبه‌ی نفی سبیل (که از روابط شخصی تا ملی مسلمین را در برمی‌گیرد)، در مسدود نمودن نقاط امنیتی جهت حفظ نظام است؛ بنابراین بین نفی سبیل، حفظ نظام و امنیت ملی ملازمه‌ای منطقی وجود دارد.

۳- در سطح ملی نیز صرف وجود امنیت کافی نبوده و باید از حیث تبلیغاتی نیز وجود این امنیت در میان افکار عمومی داخلی و خارجی ترویج شود. چراکه اولاً از سوی مرد یهود حضرت امیر را خطری تهدید نمی‌کرد تا حضرت در مقابل وی به حفظ آبروی امت اسلامی بپردازد و ثانیاً چه بسا

۲۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————\*

مرزهای امنیت دارای عموم و اطلاق باشد؛ عام بدین معنا که باید امنیت در اسلام به جهانیان معرفی شود که نوعی دعوت عملی به اسلام است و نشان‌دهنده‌ی ظرفیت‌های تعالی بشر بوده و این امر در واقع اقدامی ایجابی برای فراگیری امنیت از سطح ملی به جهانی است و همچنین با همسو نمودن جهانیان با اسلام به نوعی موجب استحکام بیش‌ازپیش جوامع اسلامی است و نوعی دفع تهدیدات بالقوه است. همچنین مطلق بدین معنا که شئون امنیت از روان افراد تا آبرو و جان و ... آن‌ها را باید در برگیرد که این اقدامات تبلیغاتی امنیت محور، در واقع ضامن تهدیدات علیه آبروی اسلام و نظام و مردم است و تقابل با تهدید و مصونیت در برابر آن مترادف با امنیت است.

ه) تعهدات حکومتی

طبق آنچه در تعریف امنیت گذشت ملازمه‌ی بین حقوق و امنیت در جامعه الگوی امنیت اسلامی است. باید توجه داشت که این حقوق در مورد حاکم نیز صدق می‌کند. از حقوق حاکم بر مردم (که شامل مسئولین میانی جامعه نیز می‌شود) به تعبیر حضرت امیر (ع) وفای به بیعت است. (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۷۹)

بنابراین حفظ حقوق مردم و حاکم توأمان مساوی با این است که در جامعه امنیت وجود دارد. به نظر نگارنده حفظ حقوق حاکم حتی اهمیتی فزون‌تر از حفظ حقوق مردم دارد. به این دلیل که حفظ حقوق حاکم یعنی دادن اختیارات و فرصت برای ارتقای کیفیت اداره‌ی امور جامعه که این یعنی مقدمه‌ای برای حفظ حقوق جامعه. ضمن آنکه برنامه‌ریزی‌های جاری و بلندمدت هر جامعه منوط به ثبات در فضای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در شئون مختلف جامعه از جمله اقتصاد، سیاست و ... است؛ بنابراین باید پایبندی به معاهدات نسبت به حکومت را روی دیگر امنیت کلان جامعه دانست. طبق ادله‌ی متعدد فقهی نیروی کار استخدام‌شده (اجیر)، عامل در عقود مختلف، در انجام کار، امین هستند. (ر.ک به: حسینی مراغی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۴۸۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ج ۱: ۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ج ۲: ۲۴۷) و شرط امانت‌داری حفظ امانت است از گزندهای مختلف.

امام صادق (ع) در روایتی این‌گونه فرموده‌اند: «هر اجیری که برای اصلاح امور اجرتی می‌گیرد، اگر موجب فساد امر شود ضامن است» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۹: ۱۴۱) که در این روایت "یفسد" به نظر اعم از فساد با اختیار و سهوی است. از این ضمان به دلالت التزامی می‌توان ترک فعلی را که موجب ضمان است غیرمجاز پنداشت. از حضرت امیر (ع) نیز روایتی مشابه نقل شده است با این تفاوت که اجیر حتی اگر شریک باشد و در واقع وظیفه‌ی کامل بر دوش او نباشد باز هم ضامن است. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۰: ۳۱۹)



بنابراین وقتی اعتصاب موجب تضرر حکومت شود، در واقع نقض امانت آن شده است و خسارت و ضمان ناشی از آن بیانگر این است که عمل جایز نبوده است.<sup>۱</sup> شاید تصور شود که وقتی شخصی یا جریانی اقدام به اعتصاب می‌کند از این روست که با این شرایط توان ادامه‌ی ادای وظیفه را ندارد و این در عدم جواز مزبور ابهام ایجاد کند. لکن نگارنده معتقد است بر اساس شرایطی که از قبل بین متعاقدين (متصدیان و حکومت) پیش‌بینی شده بوده است مجرای طرح چنین مسائلی مسدود است، حتی اگر قرار تعهدات از روی اضطرار یا اکراه باشد. قرارداد از روی اضطرار از نظر فقهی نافذ است زیرا در قصد متعاقد مضطر، متعاقد دیگر (حکومت) تأثیری نگذاشته است. ثانیاً قرارداد از روی اکراه هم به محض رضایت مکره و شروع به انجام وظایف نافذ می‌شود و پس از آن دیگر اکراه اولیه در قرارداد محلی از اعراب ندارد که این سخن را فقهای زیادی پذیرفته‌اند. (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۳: ۱۱۷؛ حلی، ۱۴۲۰: ۱۲۴؛ حلی، ۱۴۰۹: ج ۲: ۲۸۶؛ شهید ثانی، ۱۴۰۳: ج ۳: ۲۲۶؛ خوئی، ۱۳۷۱: ج ۳: ۳۱۳؛ مرعشی، ۱۴۱۵: ۱۱۵)

حال اگر این اعتصاب برای رسیدن به حقوق مشروع مثل دریافت حقوق معوق یا بهبود شرایط انجام وظیفه یا هر چیزی شبیه به این باشد که در قانون و قرارداد هم مشخص شده باشد، ظاهراً اصل بر جواز اعتصاب است، مگر آنکه روش اعتصاب مستلزم مفاسد جدی باشد. بر این اساس اعتصاب‌کننده نه به بهانه اکراه و نه اضطرار مجاز به اعراض از وظایف خویش (که ضمن قرارداد شرط نموده است) تا پایان قرارداد نیست. ضمن آنکه بین عدم توان ادای وظیفه و عدم تمایل به ادای وظیفه باید تفصیل قائل شد. اعتصاب در فرض عدم توان در ادای وظیفه از یک‌جهت قابلیت طرح دارد و آن این است که کارگزار یا حکومت قبل از عقد علم به این عدم توانایی داشته باشد و همچنین اجیر نیز با علم به عدم توانایی قبول وظیفه ننموده باشد. اگر بتوان اجیر را به نوعی امین فرض نمود و از احکام امانت در اینجا استفاده کرد می‌توان به استناد فتاوی فقها استنباط نمود که پذیرفتن امانت برای کسی که عاجز از ادای تعهدات امانت است، جایز نیست. (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱: ۵۹۶)

<sup>۱</sup> البته هر عملی که موجب خسارت و ضمان شود لزوماً قبیح نیست و نمی‌توان حکم به عدم جواز آن داد، چرا که برخی اعمال ذاتاً توأم با خسارتند؛ مانند اعمال جنگی در میدان جهاد و ...

۲۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————\*  
همچنین شخص تا زمانی که قبول وظیفه نموده است باید در آن اهتمام داشته باشد و در غیر این صورت باید تا اطلاع امانت‌گذار از امانت حفظ و حراست کند. (همان، ص ۵۹۷) البته در این فرض اجیر شدن را مصداقی از امانت فرض نموده‌ایم که با توجه به اینکه امانت اعم از کارگزاری است این امر بلاشکال است.

**تجزیه و تحلیل:** آنچه از منظر این دلیل فقهی برای توقف و جلوگیری از اعتصاب مطرح شد در واقع بیانگر موارد زیر است که به‌نوعی اشاره به شئون امنیت می‌کند: ۱- امنیت بستر رسیدن به حقوق است و در فضایی که حقوق و تکالیف و تعهدات دستخوش تغییرات پیش‌بینی‌نشده شود این امنیت مخدوش خواهد شد. تعهدات روی دیگر حقوق است و در جامعه‌ای که تعهدات متزلزل باشد پایمال شدن حقوق نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و این مفهومی ضد امنیت است. لذا مؤمنان باید به شروطی که در قراردادها تعهد می‌کنند، وفادار باشند و در حد امکان و توان در تحقق آن بکوشند؛ البته شروط معامله نباید با قواعد شرع مخالفتی داشته باشد (حسینی مراغی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۲۷۶؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۳: ۲۵۱)

بنابراین اعتصاب که خودداری موقت از انجام وظایف است به‌صراحت با این قاعده فقهی در تعارض است. ۲- ضررهایی که در اثر اعتصاب به حکومت وارد می‌شود در واقع تعدی به امنیت اموال، اعیان و سرمایه‌های معنوی است؛ بنابراین در واقع باطن این دلیل تمسک به مفهوم امنیت است. ۳- نقض تعهدات می‌تواند یک تهدید سخت یا نرم باشد به تناسب کنش و واکنش متصدیان امر و حکومت و همچنین بین اقدام و آثار. اصولاً امنیت هنگامی فراگیر و پایدار می‌شود که از مرحله‌ی واپایش عبور کرده و از رهگذر رضایت و قانونمندی و سازگاری حقوق با تکالیف گسترش یابد. (علایی، ۱۳۹۱: ۹۱)

نکته‌ی قابل‌توجه این است که در صورت تحدید اعتصاب به استناد دلیل فوق و با لحاظ مفهوم امنیت در معنای اول آن، آیا حکومت در برابر اعتصاب‌کنندگان مرتکب ظلم نمی‌گردد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به آیه‌ی «هرکس تعدی کرد به شما مثل آن تعدی که به شما کرد به او تعدی کنید و تقوای الهی پیشه کنید...» (بقره، ۱۹۴) می‌توان دریافت که در مقابل تعدی به حقوق و منافع و ... دیگری به همان اندازه حقوق و منافع اعتصاب‌کننده جایزالتعدی است و این به دلالت التزامی ضمان وی را اثبات می‌کند و به همان مدلول التزامی آیه، عمل او مصداق تجاوز است. لازم به ذکر است که آیه ناظر به تعدی با اختیار و اراده است و نگارنده معتقد است که در اعتصاب علم به تلف و تضرر طرف مقابل (حکومت) وجود دارد که اعتصاب‌کننده آن را حربه‌ای برای تحت‌فشار

قرار دادن او قرار می‌دهد؛ و نکته‌ی مهم این است که این تعدی به‌عنوان واکنش باید اخذ میزان تلف و ضرر باشد (ضمان وضعی) و یا می‌تواند موجب جواز در اصل تعدی شود (ضمان تکلیفی)؟ که در پاسخ باید گفت در صورتی که "ما" در «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» مصدری باشد (و موصولی نباشد) ضمان اعتصاب‌کننده تکلیفی است، یعنی اصل تعدی قابل مماثله است؛ بنابراین نقض حقوق اعتصاب‌کننده با علم به مضر و متلف بودن آن طبق این آیه مجاز می‌شود و مصداق ظلم نیست.

برخی مراجع عظام هم چون آیت‌الله نوری همدانی قائل به لزوم عمل به مقتضای قوانین شدند (کد ۲۸۸۱۶، ۱۳۹۶/۳/۱۰)، آیت‌الله مظاهری آن را خلاف قوانین و غیرمجاز دانستند (کد ۳۹۴۸۵، ۱۳۹۶/۶/۲۱) و آیت‌الله مکارم شیرازی حکم آن را تابع اهم و مهم بودن موضوع اعتصاب دانستند (کد ۹۶۰۳۰۸۰۰۸۲، ۱۳۹۶/۳/۸) که محورهای تعیین اهم و مهم در عناوین متعددی گذشت. به نظر می‌رسد این ملاک‌های اهم و مهم د تدوین قوانین مربوطه نقش بسزایی داشته است. از جمله قوانین مربوطه در مورد اعتصاب (تعطیلی یا خودداری از انجام وظیفه) ماده‌ی ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری است که با عناوین و فروع مختلف اعتصاب در آن ممنوع دانسته شده است. در قانون جرائم نیروهای مسلح نیز ذیل مواد ۲۳، ۳۲، ۳۳، ۴۲، ۴۳، ۵۱ و ... خودداری از انجام وظیفه که به‌نوعی ماهیتی شبیه به اعتصاب دارد ممنوع دانسته شده و مجازات‌های سنگینی برای آن وضع شده است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بر اساس آنچه در این تحقیق بیان شد می‌توان نتایج را در دودسته‌ی عام و خاص (ناظر به موضوع اعتصاب) دسته‌بندی نمود:

نتایج عام این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- در اندیشه‌ی اسلامی و فقه شیعه بینش امنیتی به‌عنوان یک باطن در محور مفاهیم و قواعد نهفته است و نه به‌عنوان یک قید ثانویه که باید در احکام لحاظ شود.
- ۲- امنیت در واقع خوانشی دیگر از مقاصد شریعت است که شامل حفظ دین، جان، مال، آبرو، نسل و عقل است و قاعده‌ی معروف حفظ نظام (کلان) در فقه در واقع اشاره به حفظ امنیت دارد.
- ۳- رویکرد امنیت محور در فقه شیعه دارای کمال و جامعیت قابل توجهی است که موجب می‌شود

۳۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶

حکومت اسلامی در تحقق امنیت و احساس امنیت توأمان بکوشد.

۴- بین حقوق و امنیت در فقه ملازمه وجود دارد؛ بدین معنا که امنیت بستری برای نیل به حقوق و نفی هرگونه تهدید و محدودیت به مقتضای آن است و بنابراین حق اعتراض نسبت به هرگونه محدودیت و تهدید حقوق از شاخصه‌های جامعه‌ی امن است.

۵- جامعه‌ی مقید (به آداب، تقوی، عدم تعدی و ...)، صورت مکمل یک جامعه‌ی امن است، چراکه تقید به هنجارها لازمه‌ی تحقق امنیت در اسلام تلقی شده است.

۶- در فقه شیعه امنیت کلان (اجتماعی و ملی و ...) در اولویت است نسبت به امنیت بخشی (شخصی و گروهی)؛ لذا در صورت تراحم حقوق عمومی و خصوصی، منافع عمومی مقدم است بر منافع خصوصی.

۷- حقوق (واقعی) حاکم اسلامی نیز جزء حقوق ملازم با امنیت است و حتی بر آن اولویت دارد، زیرا در نهایت موجب قدرت حاکم برای اعطای بهتر و بیشتر حقوق به جامعه است.

۸- اقدامات امنیت‌زا در تهدیدات سخت یا نرم باید توأم با بسترسازی گفتمانی باشد تا موجب فهم مشترک جامعه و حکومت در مورد اقتضائات امنیتی باشد. نتایج خاص تحقیق عبارت‌اند از:

۱- اعتصاب جزء مصادیق اعتراض محسوب شده و از سنخ حقوق است و حکم اولی آن در مقام ثبوت جواز است، مشروط به حق بودن موضوع آن و روش آن؛ که ادله‌ی مقوم آن حق آزادی انسان‌ها، نصح‌الائم، امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مسلمین است.

۲- در مقام اثبات اعتصاب ظاهراً هم دارای ضرر است و هم حرج و بر اساس ادله‌ی حفظ نظام (سیاسی، معاش و ...)، نفی هرج و مرج، تعهدات حکومتی و نفی سبیل باید حکم به ممنوعیت آن داد.

۳- ادله‌ی تحدید و ممنوعیت اعتصاب علیرغم حق تلقی شدن آن به نوعی به امنیت و مراتب آن برمی‌گردد که امنیت کلان که ملازم با حفظ حقوق عامه است منوط به حفظ نهاد مولد و محافظ امنیت (حکومت) است؛ بنابراین تضعیف یا تحت فشار قرار دادن آن موجب ممنوعیت اعتصاب می‌شود.

۴- اعتصاب در مواردی که موجب ورود سازمان‌های بین‌المللی به جریان آن، اخلال گسترده، تضعیف قریب‌الوقوع نظام و حتی فرصتی برای کودتا و براندازی شود، تهدید سخت محسوب می‌شود و نیازمند اقدام سخت توأم با اقدام آگاهی‌بخش و تبلیغات است و در مواردی که خطرات

فوق را نداشته باشد به دلیل نامحسوس بودن و بلندمدت بودن علیت و آثار آن در سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و هنجارها تهدید نرم محسوب شده و نیازمند اقدام بازدارنده‌ی عملی (و نه لزوماً سخت) و آگاهی‌بخشی بلندمدت به‌مثابه‌ی واکنش است.

نگارنده معتقد است، بین جرائم سیاسی، اعتصاب و جرائم علیه امنیت در فقه و حقوق شاخص‌های قابل توجهی وجود دارد که به‌قدر کافی در آن تأمل نشده است؛ در جرائم سیاسی عنصر معنوی جرم توجیهی برای عنصر مادی شده و علت مخففه مجازات می‌شود و در جرائم علیه امنیت عنصر معنوی جرم صرف‌نظر از عنصر مادی (در موارد زیادی) موجب تشدید مجازات می‌شود. درحالی‌که در این عناوین مجرمانه وحدت ملاک بین اندیشمندان وجود ندارد و حتی مرز بین این عناوین به‌وضوح قابل تعیین نیست. ضمن آنکه در مقام عمل نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و انتظامی و همچنین قضایی اقداماتی چون اعتصاب را با چه ملاکی در قالب چه گونه تخلفی باید جرم‌انگاری و پیگیری کنند که سؤالی مهم در عرصه‌ی سیاست‌گذاری عدالت و امنیت است. آیا عنصر معنوی، مادی و قانونی آن دارای هماهنگی است؟ ملاحظات امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جرم‌انگاری آن چیست؟ مسائل مطروحه نیازمند تحقیقی جداگانه است.

## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- امام خمینی، سیدروح‌الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح‌الله، (بی‌تا)، *تحریر الوسیله*، قم: دارالعلم، (نرم افزار جامع فقه ۲ و ۱)
- امام خامنه‌ای، مجموعه بیانات (در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹) قابل دسترسی در پایگاه حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- امام خامنه‌ای، مجموعه بیانات (در دیدار مسئولان سازمان صداوسیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) قابل دسترسی در پایگاه حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- امام خامنه‌ای، مجموعه بیانات (در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸) قابل دسترسی در پایگاه حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- امام خامنه‌ای، مجموعه بیانات (در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱) قابل دسترسی در پایگاه حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- امام خامنه‌ای، مجموعه بیانات (در دیدار با اعضای خبرگان ۱۳۹۰/۶/۱۷) قابل دسترسی در پایگاه حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، چاپ سوم
- اصفهانی، شیخ محمدحسین، (۱۴۰۹ق)، *الإجارة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی
- افتخاری، اصغر، ریاضی، وحید، (پاییز ۱۳۹۰)، *تهدید نرم و امنیت اخلاقی (مطالعه موردی قوم سدوم در قرآن کریم)*، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال اول، پیش شماره ۳
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی تهدید*، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، انتشارات سپاه
- انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۱۵ق)، *مکاسب*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری

- بجنوردی، سیدمحمد، (۱۳۷۹)، قواعد فقهیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (عروج)
- بجنوردی، محمدحسن، (۱۴۱۹ق)، قواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی
- پیمانی، عبدالرسول، (۱۳۸۴)، نهج الفصاحه، سخنان و پندهای رسول گرامی اسلام، چاپ دوم، اصفهان
- جزایری، شمس‌الدین، (۱۳۴۲)، اقتصاد اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران
- حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح، (۱۴۱۸ق)، العناوین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- حلّی، جعفر بن حسن، [محقق]، (۱۴۰۹ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحرام، تهران: استقلال
- حلّی، حسن بن یوسف، [علامه]، (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم: مؤسسه امام صادق
- خوبی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، مصباح الفقاهه، بی‌جا: وجدانی
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، لغت‌نامه، زیر نظر سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران
- رشتی، میرزا حبیب‌الله، (۱۴۰۱ق)، کتاب القضاء، تحقیق: سیداحمد حسینی، ج ۱، قم: دارالقرآن الکریم
- سازمان بسیج، اتحاد ملی از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: ماهنامه امید انقلاب، مرداد ۱۳۸۶، شماره ۳۸۱
- سجادی، سید عبدالقیوم، اصول سیاست خارجی در قرآن، مجله علوم سیاسی، فصلنامه تخصصی مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، ۱۳۸۰، ش ۱۵
- سیدرضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی، صالح، قم: هجرت

- ۳۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————\*
- شهیدثانی، (۱۴۰۳ق)، **ألروضه البهیه فی شرح اللعمه الدمشقیه**، قم: دار الهادی للمطبوعات
  - صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱ق)، **المعالم الجدیده للاصول**، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر
  - علایی، حسین، (پاییز ۱۳۹۱)، **امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹
  - فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۶ق)، **القواعد الفقهیة**، قم: بی‌نا
  - قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۹)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: سمت، چاپ شانزدهم
  - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، **کافی**، قم: دارالحدیث
  - گرجی، ابوالقاسم، (بهار و تابستان ۱۳۵۲)، **ادله اربعه**، مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره ۶ و ۷
  - گروه مطالعاتی امنیت ملی، (۱۳۸۷)، **تهدیدات قدرت ملی**، شاخص‌ها و ابعاد، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی
  - مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**، بیروت: موسسه الوفاء
  - مرعشی، مهدی، (۱۴۱۵ق)، **منهاج المتقین**، بی‌جا: مهدی مرعشی
  - مظفر، محمدرضا، (۱۳۸۷)، **اصول الفقه**، ترجمه: زراعت، عباس، و مسجدسرای، حمید، قم: حقوق اسلامی (پیام نوآور)، چاپ دوم
  - معرفت، محمدهادی، (بهار ۱۳۸۰)، **امام علی (ع) و حقوق متقابل مردم و حکومت**، مجله کتاب نقد، شماره ۱۸
  - مکارم الشیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ق)، **القواعد الفقهیة**، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، الطبعة الثالثة
  - ملک‌افضلی اردکانی، محسن، (زمستان ۱۳۸۹)، **آثار قاعده حفظ نظام**، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۴
  - مهیار، رضا، (بی‌تا)، **فرهنگ ابجدی عربی-فارسی**، نرم‌افزار نور جامع فقه ۱ و ۲



- میرمحمدی، سیدمحمد، (۱۳۸۷)، بررسی نقش تشکل‌های کارگری در تحولات بازار کار و اعتصاب کارگری، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
- نصیری، حسین، (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، امنیت ملی پایدار، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۱۶ و ۲۱۷
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت
- یوری، اسدالله، تنگستانی، محمدقاسم، (زمستان ۱۳۹۳)، درآمدی بر نظام حقوقی اعتصاب در بخش خصوصی (فرانسه، انگلستان و ایران)، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۶، شماره ۴۳

#### سایت‌ها:

- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی [www.makarem.ir](http://www.makarem.ir)
- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مظاهری [www.almazaheri.org](http://www.almazaheri.org)
- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله نوری همدانی [www.noorihamedani.org](http://www.noorihamedani.org)
- قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ [www.rc.majlis.ir](http://www.rc.majlis.ir)
- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ [www.rc.majlis.ir](http://www.rc.majlis.ir)
- François Daumas, (1969). *Ägyptische Kultur im Zeitalter der Pharaonen*, Knauer Verlag, Munich

